ماجرای مردی که با اغفال زنان و دختران به حساب بانکی آن ها دستبرد می زد

کلاهبرداری در نقاب خواستگاری!

او به دختران معلول هم رحم نمی کرد

سید خلیل سجادپور- مرد میان سالی که با وعده ازدواج، زنان و دختران را اغفال می کرد در حالی با تلاش های یکی از طعمه هایش در مشهد دستگیر شد که بررسی ها نشان داد او دارای پرونده های مشابه در استان های دیگر کشور است. به گزارش اختصاصی خراسان، پرونده «کلاهبرداری در نقاب خواستگاری»، زمانی در دستور کار پلیس قرار گرفت که دختر ۳۸ ساله معلول مشهدی در دام حیله گری های مردی شیاد افتاد و همه پس اندازش را از دست داد.

این ماجرا از آن جا آغاز شد که دختر ۳۸ ساله ای با مراجعه به دایره مشاوره و مددکاری اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد، پرده از یک راز تلخ برداشت. او به کارشناسان پلیس گفت: من معلول جسمی و کم بینا هستم که بعد از مرگ پدر و مادرم، زیر چتر حمایتی خواهرم قرار گرفتم و او مرا زیر بال و پر خودش گرفت. با آن که خودم همواره شرمنده محبت های خواهرم بودم اما در این دنیای فانی کسی را نداشتم که پشتیبانم باشد. این دختر معلول ادامه داد: روزگار به همین ترتیب سپری می شد تا این که یک روز با خواهرم تصمیم گرفتیم به شهرستان برویم و سری به اقوام و بستگان بزنیم. زمانی که به منطقه نخریسی (گاراژدارها) رسیدیم با مردی میان سال آشنا شدیم که همسفرمان بود. او چنان مودب و باوقار و طمأنینه رفتار می کرد که ناخودآگاه جذب اخلاق نیکویش شدم و هر لحظه که می گذشت من بیشتر تحت تاثیر اوصاف رفتاری و اخلاقی او قرار می گرفتم تا این که در طول سفر سر صحبت را با خواهرم باز و خیلی با ادب مرا از خواهرم خواستگاری کرد. آن مرد که «ح» نام دارد، خودش را مهندس برجسته معرفی کرد که در امور ساختمانی فعالیت می کند. او به خواهرم گفت مدت هاست به دنبال دختری باوقار و مناسب برای ازدواج می گردد اما تاکنون نتوانسته دختری خوب با این خصوصیات اخلاقی برای خودش پیدا کند. آن مرد میان سال در حالی که من هم سخنانش را می شنیدم ادامه داد: از لحظه ای که خواهر شما را دیدم خیلی راحت فهمیدم که او دختری صاف و بی ریا و صادق است به همین خاطر از شما تقاضا دارم در صورتی که اجازه بدهید از خواهر شما خواستگاری کنم! دختر جوان که دیگر اشک در چشمانش حلقه زده بود، افزود: خواهرم که خوشبختی و سعادت مرا می خواست با شنیدن این جمله، برق عجیبی در چشمانش درخشید و من هم از خوشحالی در پوست خودم نمی گنجیدم! خیلی شاد شدم به گونه ای که می خواستم از اعماق درونم فریاد بکشم! چگونه یک فرد مهندس ساختمان با این وضعیت مالی خوب قصد ازدواج با مرا دارد! نمی دانستم چه بگویم فقط با برق چشمانم به خواهرم فهماندم که موضوع را جدی بگیرد! خلاصه بعد از این سفر ارتباط ما با «ح» ادامه یافت و قرار شد قبل از برگزاری خواستگاری رسمی، با هم درباره موضوعات و مشکلات موجود گفت وگو کنیم! در عین حال و در همان دیدار اول خواهرم ماجرای معلولیت جسمی و کم بینایی مرا برای «ح» شرح داد و به او گفت که خواهرم چنین مشکلی دارد! ولی «ح» خیلی خونسرد پاسخ داد: این موضوع را که همان لحظه اول فهمیدم. ماجرای معلولیت او هیچ تاثیری در دلبستگی من ندارد! من فقط برای رضای خدا می خواهم با او ازدواج کنم تا سرپناهش باشم! حتی برایش پرستاری استخدام می کنم تا همه امور مربوط به زندگی اش را انجام دهد و او تنها «خانم» خانه باشد! و... وقتی این حرف ها را می شنیدم انگار در آسمان ها پرواز می کردم و دلباختگی ام به او بیشتر می شد. «ح» را انسانی متعالی می دیدم که چقدر با گذشت و مهربان است! ولی خواهرم نگران بود، او حرف های «ح» را باور نمی کرد و احتمال می داد که در پس این سخنان عاشقانه، دامی کثیف پهن شده باشد! با وجود این، من عشق را در عمق نگاهش می خواندم و با شرایطی که داشتم او را ناجی زندگی ام می دانستم. بالاخره با اصرارهای فراوان من، خواهرم نیز نقابی روی بدبینی هایش کشید و قرار شد مراسم خواستگاری به طور رسمی برگزار شود و من به عقد «ح» درآیم!

چند روز بعد «ح» با من تماس گرفت و ادعا کرد که قصد دارد با من خصوصی صحبت کند! من هم که دیگر خودم را آماده مراسم عقد کنان می کردم بدون اطلاع خواهرم، گوشی تلفن او را برداشتم و به همراه یکی از همسایگانم سر قرار رفتم.

آن جا بود که «ح» بعد از تعریف و تمجید از من و سخنان زیبایی که درباره آینده و خوشبختی ام می زد، ادامه داد: قصد دارد برای برگزاری مراسم آبرومندانه عقد کنان و خریدهای لوازم عقد و عروسی، مبلغی پول را به حساب بانکی ام واریز کند تا من نزد فامیل و آشنایان سرشکسته نشوم! «ح» سپس شماره کارت بانکی و رمز آن را از من گرفت که اگر اشتباهی در واریز مبلغ رخ داد به راحتی بتواند با وارد کردن رمز آن را تصحیح کند! من هم که دیگر او را نامزد خودم تصور می کردم بدون هیچ گونه تاملی، کارت و رمزم را در اختیارش گذاشتم اما لحظه ای که برای یافتن دستگاه عابر بانک در آن منطقه حرکت کرد ناگهان ایستاد و گوشی خواهرم را نیز که دست من بود گرفت تا بعد به من بازگرداند آن لحظه من به چیزی جز انسانیت و مردانگی او نمی اندیشیدم و حتی برای لحظه ای هم تصور نمی کردم که وارد بازی در چه سناریوی شومی شده ام!

آن روز «ح» برای واریز مبلغی به حساب بانکی من از ما جدا شد و من هم به خانه بازگشتم! ولی هنوز ساعتی از این ماجرا نگذشته بود که فهمیدم همه سرمایه و پس اندازم که بیشتر از ۲ میلیون تومان بود از حساب بانکی ام برداشت شد از آن هنگام به بعد دیگر هرچه با شماره ای که از «ح» داشتم، تماس می گرفتم هیچ کس پاسخ گو نبود تا این که چند روز بعد او گوشی تلفن خواهرم را با یک راننده تاکسی تلفنی به در منزل فرستاد اما از خودش خبری نبود! تازه فهمیدم که در دام یک کلاهبردار حرفه ای افتاده ام و همه سرمایه ام را که با کارگری پس انداز کرده بودم از دست داده ام! بغض عجیبی گلویم را می فشرد و از این که به راحتی در دام مردی شیاد افتاده ام خیلی نگران و ناراحت بودم! و...

گزارش اختصاصی خراسان حاکی است در پی اظهارات این دختر معلول، پرونده ای قضایی در این باره تشکیل شد و گروه ورزیده ای از نیروهای تجسس کلانتری طبرسی شمالی با صدور دستورات ویژه سرگرد مهدی کسروی (رئیس کلانتری) به تحقیق درباره ماجرای کلاهبرداری و ادعاهای دختر جوان پرداختند. آن ها با استفاده از شگردهای تخصصی و پلیسی و در یک قرار صوری در اطراف میدان طبرسی، در حالی این مرد متهم به کلاهبرداری را دستگیر کردند که چند فقره صیغه نامه و کارت های عابر بانک از وی کشف و ضبط شد. متهم این پرونده که به کلانتری شهید آستانه پرست مشهد هدایت شده بود مورد بازجویی های ویژه قرار گرفت و بررسی های گسترده ای درباره جرایم احتمالی دیگر وی آغاز شد. بررسی های پلیس که با صدور دستورات خاصی از سوی مقام قضایی همراه بود، نشان داد که متهم دارای پرونده های مختلف بوده و سابقه ای به اتهام اغفال در سیستم ثبت جرایم پلیس را دارد. ادامه تحقیقات همچنین بیانگر آن بود که وی دارای چند پرونده مشابه در استان مازندران است و احتمال می رود دختران و زنان دیگری نیز طعمه کلاهبرداری های وی با نقاب خواستگاری شده باشند.

کلاهبرداران ۵۰ میلیاردی در دام پلیس آگاهی اهواز

فرمانده انتظامی خوزستان از دستگیری چهار کلاهبردار حرفه ای با ۵۰۰ میلیارد ریال کلاهبرداری در شهرستان اهواز خبر داد. به گزارش ایرنا به نقل از پلیس، سردار سیدمحمد صالحی افزود: در پی دریافت یک پرونده کلاهبرداری از یک شرکت خصوصی در شهرستان اهواز، موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی استان قرار گرفت. وی ادامه داد: کارآگاهان پلیس آگاهی با انجام تحقیقات تخصصی و کار اطلاعاتی چهار نفر را در این زمینه شناسایی و با هماهنگی مراجع قضایی طی دو عملیات غافلگیرانه در شهرستان های اهواز و شیراز دستگیر کردند. فرمانده انتظامی خوزستان با بیان این که متهمان با سوءاستفاده از موقعیت شغلی و نیز دستکاری فاکتورها کلاهبرداری می کردند، افزود: متهمان با وجوه کلاهبرداری شده اقدام به خرید ۲۱ واحد مسکونی، هفت دستگاه خودرو، ۶۸ عدد سکه طلا و یک کیلوگرم طلا به ارزش ۵۰۰ میلیارد ریال کرده بودند که به بزه خود اعتراف کردند و پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شدند.

دستگیری سارقان شیشه ای

کرمانی/ باند چهار نفره سرقت و معتاد به ماده مخدر صنعتی شیشه در شرق کرمان متلاشی شد.

به گزارش خراسان، به دنبال افزایش سرقت درخت مرکبات از باغ ها و پمپ آب چاه های کشاورزی و لوازم یدکی با روش مشابه در شهرستان نرماشیر، دستگیری عامل یا عاملان سرقت در دستور کار پلیس قرار گرفت. نیروهای پلیس پاسگاه عزیز آباد با انجام اقدامات اطلاعاتی و بهره گیری از شگردهای پلیسی، عاملان سرقت را شناسایی کردند و طی عملیاتی منسجم و هماهنگ، چهار سارق عضو یک باند را به دام انداختند و به مقر پلیس منتقل کردند. فرمانده انتظامی نرماشیر در این باره گفت: سارقان به ۱۶ فقره سرقت احشام، سیم و کابل برق، موتور سیکلت، لوازم یدکی، سرقت درخت مرکبات از باغ ها و پمپ آب چاه های کشاورزی اعتراف کردند. سرهنگ رضا زیدآبادی افزود: متهمان همه این سرقت ها را با انگیزه تامین هزینه ماده فوق العاده خطرناک مخدر صنعتی شیشه انجام می دادند.

۴ کشته در سقوط پژو از پل

توکلی/ برخورد و سقوط مرگبار پژو با پل در محور راین- جیرفت، چهار کشته و دو زخمی به جا گذاشت. به گزارش خراسان، سرهنگ محمدی جانشین پلیس راه استان کرمان، بی توجهی به جلو و خستگی و خواب آلودگی راننده را علت این حادثه رانندگی ذکر کرد.

رئیس اورژانس پیش بیمارستانی کرمان هم محل این حادثه را کیلومتر ۱۰ محور راین- جیرفت اعلام کرد و افزود: در این حادثه پژو ۴۰۵ پس از برخورد با پل به پایین جاده سقوط می کند که سرنشینان آن شامل یک زن ۲۸ ساله و یک کودک دو ساله مصدوم می شوند و متاسفانه یک زن، یک مرد و دو کودک فوت می کنند.

صابری با اشاره به اعزام سه گروه فوریت های پزشکی به محل حادثه، ادامه داد: بعد از رهاسازی مصدومان، اقدامات درمانی مناسب توسط تیم فوریت های پزشکی حاضر در صحنه انجام و با توجه به شدت آسیب های وارد شده، برای تکمیل اقدامات درمانی، اورژانس هوایی اعزام شد و مصدومان این حادثه به بیمارستان شهید باهنر کرمان منتقل شدند.

وی اظهار کرد: به گفته مصدوم حادثه، این خودرو حدود ساعت ۲۱ چهارشنبه شب در حالی که از راین به سمت جیرفت در حرکت بوده، دچار حادثه شده و صبح پنج شنبه در زیر پل توسط افراد عبوری پیدا می شوند.

تصادف مینی بوس با گاردریل ۱۴ مصدوم به جا گذاشت

رئیس اورژانس تهران از تصادف یک دستگاه مینی بوس با گاردریل و مصدومیت ۱۴ نفر خبر داد.

به گزارش میزان، پیمان صابریان افزود: در ساعت ۷:۳۸ پنج شنبه، یک دستگاه مینی بوس با گاردریل در مسیر حسن آباد- بولوار امام خمینی (ره) برخورد کرد که در پی این حادثه سه دستگاه آمبولانس و یک دستگاه اتوبوس به محل اعزام شدند. وی ادامه داد: در این حادثه ۱۴ نفر مصدوم شدند که ۱۳ نفر به مراکز درمانی انتقال یافتند و یک نفر نیز در محل درمان شد.

جسد ۲ کارگر محبوس معدن طزره دامغان پس از ۶ روز پیدا شد

شش روز تلاش شبانه روزی برای پیدا کردن اثری از دو کارگر حبس شده در معدن زغال سنگ طزره دامغان در استان سمنان با پیدا کردن پیکر بی جان این دو کارگر در عمق ۷۰ متری تونل ۴۲ معدن پایان یافت. به گزارش ایسنا، کار جست وجو برای پیدا کردن دو کارگر معدن، روز پنج شنبه ۱۶ اردیبهشت با تیم های تخصصی امداد و نجات هلال احمر در کنار ۵ تیم ۳۰ نفره تخصصی در معدن زغال سنگ طزره نیز ادامه یافت و در ساعات پایانی پنج شنبه شب گذشته ابتدا پیکر بی جان یکی از کارگران زیر آوار کشف شد، در نهایت اوایل بامداد جمعه با کشف پیکر دومین کارگر نیز، عملیات امداد و نجات پس از شش روز متوالی پایان یافت. حادثه ریزش معدن زغال سنگ طزره دامغان، حدود ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه در عمق ۷۰ متری تونل شماره ۴۲ معدن هنگام استخراج و به دلیل ریزش ناگهانی سقف کارگاه رخ داده بود. در این حادثه دو نفر کارگر پیمانکاری شرکت به نام های میلاد روشنائی و سید اصغر افضلی جان باختند.

■ **تونل ۴۲ معدن طزره به صورت موقت تعطیل شد**

مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان سمنان هم به مهر گفت: تونل شماره ۴۲ از سری معادن زغال سنگ طزره متعلق به شرکت البرز شرقی برای رسیدگی بیشتر به مسائل ایمنی به صورت موقت تعطیل است.

اسماعیل غنیان با بیان این که از لحاظ ایمنی باید تکلیف این تونل مشخص شود، تاکید کرد: تا پیش از اجرای عملیات کارشناسی، این معدن بازگشایی نمی شود. وی با اشاره به این که بازرسان اداره کار دامغان به محل اعزام شده اند تا دلایل اصلی ریزش تونل و مرگ دو کارگر در این منطقه را بررسی کنند، ادامه داد: عوامل اصلی دخیل در وقوع حادثه ابتدا شناسایی می شوند و سپس درباره رفع آن تصمیم گیری می شود اما تا آن زمان تونل تعطیل است.

وی با بیان این که طی هماهنگی با دادستان دامغان و شرکت البرز شرقی شاهرود فعالیت های استخراج در تونل ۴۲ به صورت موقت به حالت تعلیق درآمده است، افزود: کارگروهی برای تعیین علت ریزش و فوت کارگران تشکیل شده است.

دستگیری ۹ نفر دیگر از عاملان تیراندازی مراسم تشییع هندیجان

جانشین فرمانده انتظامی خوزستان از شناسایی و دستگیری ۹ نفر دیگر از عاملان اصلی تیراندازی مراسم تشییع روستای سویره شهرستان هندیجان خبر داد و گفت: تاکنون ۳۱ نفر در این زمینه دستگیر شدند و عملیات شناسایی دیگر عاملان تیراندازی با جدیت ادامه دارد. به گزارش ایرنا به نقل از پلیس، سرهنگ یدا... امیری افزود: به دنبال اقدامات پلیس در خصوص شناسایی و دستگیری عاملان تیراندازی در مراسم تشییع روستای سویره تاکنون ۳۱ نفر از این افراد دستگیر شده اند. وی اظهار کرد: ماموران پلیس با اقدام اطلاعاتی منسجم تعداد ۹ نفر دیگر از عاملان اصلی تیراندازی در این مراسم را شناسایی و با هماهنگی مراجع قضایی در عملیات های جداگانه، متهمان را در مخفیگاهشان دستگیر و تعداد هشت قبضه انواع سلاح غیرمجاز را نیز کشف کردند.

آگهی برگزاری مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت مجتمع تولیدی چینی مقصود (سهامی خاص) به شماره ثبت ۹۱۵۳۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۵۸۶۸۰

به استناد ماده ۹۵ قانون تجارت طی درخواست یک پنجم سهامداران جناب آقایان محمدتقی و مسعود ایمانی و سرکار خانمها صدیقه آجیل چی مشهدی و مریم ایمانی، بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت مجتمع تولیدی چینی مقصود (سهامی خاص) دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده که در ساعت ۱۰:۳۰ صبح روز پنجشنبه ۱۴۰۰/۰۳/۲۷ در محل کارخانه واقع در مشهد، شهرک صنعتی توس فاز یک میدان دوم بلوار کوشش شمالی تشکیل می گردد، شرکت فرمایند.

دستور جلسه: ۱- انتخاب اعضای هیئت مدیره

هیئت مدیره شرکت

۱۴۰۰۰۸۲۳۹/ق

در امتداد تاریکی

گریز از دهلیزهای خیانت!

وقتی همسرم از خانه بیرون رفت، او دوباره دستش را روی زنگ منزل گذاشت و با داد و فریاد از من می خواست پایین بروم و خواسته هایش را اجابت کنم. در برابر یک رسوایی بزرگ قرار داشتم به طوری که همه وجودم از شدت ترس می لرزید. با نگرانی و اضطراب از آن مرد خواستم به محل کارش بازگردد تا من ساعتی بعد برای گفت و گو به نزدش بروم اما در این میان تصمیم خودم را گرفتم و به کلانتری آمدم تا...

این ها بخشی از اظهارات زن ۲۷ ساله ای است که برای شکایت از صاحبکار سابقش به دامان قانون پناه آورده بود تا راهی برای رهایی از یک مخمصه خودساخته بیابد. این زن جوان که چهره ای آشفته و مضطرب داشت، درباره ماجرایی که زندگی اش را در آستانه فروپاشی قرار داده است، به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری آبکوه مشهد گفت: به خاطر آن که در خانواده ای بی سروسامان و به هم ریخته زندگی می کردم و پدرم نیز اعتیاد داشت، در ۱۴ سالگی با مردی ازدواج کردم که ۲۰ سال از خودم بزرگ تر بود. آن روزها هیچ آگاهی درباره ازدواج و زندگی مشترک نداشتم فقط از این موضوع خوشحال بودم که نامزدم مردی خوش قد و قامت است. خلاصه زمان گذشت و من در حالی صاحب یک پسر شدم که به حیله گری و دغل بازی های «آرمان» پی بردم. با دیدن پیامک های عاشقانه در گوشی تلفنش به ارتباط او با زنان غریبه مشکوک شدم و بعد از مدتی بررسی های مخفیانه دریافتم که «آرمان» به من خیانت می کند. با وجود این همه چیز را پنهان کردم تا این که وقتی زندگی را به کلی رها کرد و اهمیتی به خانواده اش نداد تازه فهمیدم همسرم به مواد مخدر صنعتی نیز اعتیاد دارد. دیگر نه تنها سر کار نمی رفت و بیکار شده بود بلکه مدام مرا کتک می زد و توهین می کرد. حالا دیگر از مهر و محبت هیچ خبری نبود و پسرم «مسعود» در حالی قد می کشید که عشق و عاطفه به زندگی در خانه ما مرده بود. در همین روزها «آرمان» به زندان افتاد و من شرایط را برای رهایی از این زندگی نکبت بار مناسب دیدم تا به حکم قانون از او طلاق بگیرم اما به خاطر گریه های پسرم دچار تردید شدم و منتظر ماندم تا از زندان آزاد شود ولی آرمان بعد از آزادی نیز همان رفتارهای زشت گذشته را در پیش گرفت و با آن که در امور بنایی و کاشی کاری تبحر داشت اما باز هم سر کار نمی رفت به همین دلیل دست پسرم را گرفتم و با حالت قهر خانه را ترک کردم و به منزل پدرم رفتم اما برای آن که سربار خانواده ام نباشم، در یک مغازه پوشاک فروشی مشغول کار شدم که صاحبکارم جوانی مجرد بود و اوضاع مالی خوبی داشت. در حالی که خانم جوان دیگری در آن فروشگاه کار می کرد نفهمیدم چگونه آن قدر به «ساعد» اعتماد کردم که سیر تا پیاز زندگی ام را برایش گفتم و با او درباره مشکلاتم با آرمان، درد دل کردم و در لابه لای قصه تلخ زندگی ام، از ماجرای طلاقم نیز پرده برداشتم و به او گفتم که همواره تشنه ذره ای محبت از سوی همسرم بودم و...

خلاصه این گونه بود که «ساعد» از تلخی های زندگی من مطلع شد و ادعا کرد برایم وکیل می گیرد و کمک می کند تا از آرمان طلاق بگیرم و با او ازدواج کنم! از شنیدن این حرف ها خیلی خوشحال شدم به طوری که انگار تازه معنای ازدواج را می فهمیدم و یک زندگی شیرین را درک می کردم. بدین ترتیب روابط من و ساعد در حالی جدی تر شده بود که آرمان در دادگاه ادعا کرد حضانت پسر ۱۰ ساله ام را به من نمی دهد. این در حالی بود که مسعود همچنان التماس می کرد تا از پدرش طلاق نگیرم. از طرفی مسعود همه وجود من بود و نمی توانستم حتی برای یک روز دوری او را تحمل کنم. این بود که دوباره تسلیم اشک های پسرم شدم و تصمیم گرفتم به جای آن که زندگی ام را ویران کنم، دوباره برای ساختن آن تلاش کنم. با خودم می اندیشیدم من هم خطاهای زیادی در زندگی مرتکب شده ام و اگر صادقانه در کنار آرمان قرار بگیرم باز هم می توانم زندگی شیرینی را به همراه پسرم شروع کنم اما هنگامی که ساعد از ماجرا مطلع شد به من گفت اشکالی ندارد تو با همسرت زندگی کن ولی با هم ارتباط داشته باشیم! با تعجب پاسخ دادم دیگر به همسرم خیانت نمی کنم. به همین دلیل در خانه ماندم و سر کار نرفتم اما او به در منزلم آمد و تهدید کرد که نه تنها تصاویرم را منتشر می کند بلکه همه ماجرا را برای همسرم باز گو خواهد کرد این بود که به کلانتری آمدم تا...

شایان ذکر است، رسیدگی به پرونده این زن جوان با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ محمدعلی محمدی (رئیس کلانتری آبکوه) به مشاوران و کارشناسان زبده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

دریافت اقامت اروپا
از طریق خرید بیزینس آماده بکار در کشور مجارستان
شماره تماس ۰۹۱۱۲۷۳۲۱۸۶
۱۴۰۰۰۷۸۹۳/